

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی (علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی)

سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۴

تاریخ تصویب: ۹۸/۰۲/۲۱

صفحات: ۷۹ - ۱۰۲

جنگ به ضرورت تهدید بقا و عدم حمله نظامی امریکا به ایران

مرتضی نجم آبادی*

کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی.

رامین بخشی

دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی.

احسان زرنگار

کارشناس ارشد حقوق بین الملل دانشگاه شیراز.

چکیده

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) در سال ۵۷ ایران به قدرتی تجدیدنظر طلبی تبدیل شده است که همواره خواهان تغییر نظم موجود در منطقه و سایر نقاط جهان بوده است. از جمله کوتاه کردن دست قدرت‌های امپریالیستی فرا منطقه‌ای همچون امریکا در خاورمیانه، صدور انقلاب به منطقه و جهان با داعیه‌ی اسلامی و همچنین حمایت از مستضعفان و ملت‌های مسلمان در مقابل استکبار جهانی. با این تفاسیر امریکا همواره ایران را به خاطر رفتارها و سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای که دارد به حمله نظامی تهدید کرده است. اما بارها بعد از تبلیغات گسترده حمله به ایران، حمله نظامی امریکا به ایران منتفی شده است. در این پژوهش سعی داریم به این سوال پاسخ دهیم که به چه علت امریکا بعد از اینکه بارها ایران را به حمله نظامی تهدید کرده است، این حمله صورت نگرفته است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این سوال مطرح است این می‌باشد که قدرت‌های بزرگ از جمله امریکا زمانی مبادرت به جنگ می‌کنند که زیست و بقای آنان در خطر باشد یا جنگ آخرین راه‌حل ممکن باشد. لذا ایران چون تهدیدی برای بقای امریکا نمی‌باشد و راه‌حل‌های دیگری برای مهار ایران دارد لذا ضرورتی برای مبادرت به جنگ نمی‌بیند. نوع پژوهش توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و با توجه به اسناد و مدارک و شواهد موجود می‌باشد.

واژگان کلیدی: توازن تهدید، استراتژی، ایران، امریکا، سیاست خارجی.

* نویسنده مسئول Najmabadi@gmail.com

مقدمه

نخستین و اصلی‌ترین هدف قدرت‌های بزرگ تضمین بقاست؛ بقا به معنی حفاظت کردن از حق حاکمیت، تمامیت ارضی، استقلال اقتصادی و سیاسی و نظم سیاسی داخلی است. خصوصاً اینکه دولت‌ها در پی حفظ تمامیت ارضی و استقلال نظم سیاست داخلی‌شان هستند. بقا در رأس اهداف و انگیزه‌های دیگر قرار دارد. به اعتقاد مرشایمر نظام بین‌المللی قدرت‌های بزرگ را وامی‌دارد تا قدرت نسبی‌شان را به این دلیل که مناسب‌ترین راه برای به حداکثر رساندن امنیت آن‌هاست، به بالاترین حد برسانند؛ یعنی بقا ریشه اصلی رفتار تجاوزکارانه است. (۲۱ : ۲۰۰۱، Mearsheimer) قدرت‌های بزرگ بازیگرانی عقلایی‌اند: قدرت‌های بزرگ از محیط پیرامونشان آگاه‌اند و درباره چگونگی بقا در این محیط به صورت راهبردی می‌اندیشند. از آنجا که رفتارهای قدرت‌های بزرگ رفتار دیگر دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و چگونگی تأثیرپذیری رفتار سایر دولت‌ها در تدوین و جهت‌دهی استراتژی هر دولت برای بقای خود تأثیرگذار است، آنان فعالیت و اقدامات دیگر دولت‌ها را همواره مدنظر دارند. به هر حال، دولت‌ها در بلندمدت، به شرایط و زمان به منزله نتایج و پیامدهای رفتارهایشان توجه خاصی دارند. علاوه بر این، دولت‌ها نه تنها به عواقب کوتاه مدت و فوری، بلکه به پیامدهای بلندمدت اعمال خود نیز توجه می‌کنند. (همان : ۲۲)

آمریکا به عنوان مهمترین بازیگر فرامنطقه‌ای دخیل در معادلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی منطقه خاورمیانه همیشه مورد توجه دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است و اقدامات سیاسی این کشور و ابعاد متنوع و گستردگی آن بر نحوه‌ی شکل‌گیری و تغییر و تحول ساختارهای قدرت در این حوزه موثر بوده است. آمریکا در راهبردهای خاورمیانه‌ای خود اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدتی را دنبال می‌کند و توأمان از ابزارهای متنوع سخت و نرم برای تحقق این اهداف استفاده می‌کند. تا زمان پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷، ایران متحد نزدیک ایالات متحده به حساب می‌آمد. دولت‌های نیکسون، فورد و کارتر برای اجرای سیاست سد نفوذ کمونیسم در خاورمیانه بشدت به ایران تکیه می‌کردند. از زمان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تحت مدیریت امریکا، ایران تحت حکومت خودکامه شاه اداره می‌شد که تا زمان سرنگونی متحد نزدیک امریکا باقی ماند. اهمیت استراتژیکی جغرافیای ایران، منبعث از برخورداری از مرزهای مشترک با اتحاد جماهیر شوروی، و همچنین هم مرزی با عراق، هم پیمان شوروی که در نزدیکی ذخائر نفتی ایران واقع شده بود، به این معنا بود که ایران برای ایالات متحده یک ابزار

جنگ به ضرورت تهدید بقا و عدم حمله نظامی امریکا به ایران ۵

بسیار ارزشمند برای سد نفوذ شوروی به حساب می‌آمد. امریکا بدلیل اهمیت استراتژیکی ایران، سیاست‌های خود در خاورمیانه را به جای تمرکز بر روی چند کشور عمدتاً بر روی ایران متمرکز کرده بود، که شبیه سیاست‌های این کشور در آمریکای لاتین بود. بعلاوه، امریکا از آن جهت سیاست خارجی خاورمیانه‌ای خود را بر روی ایران متمرکز کرده بود که تمرکز بر روی کشورهای عربی می‌توانست روابط واشنگتن با اسرائیل و بالعکس را به مخاطره بیندازد. (۴۱۹: ۱۹۷۸ ، ramazani) اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و شروع موج بیداری اسلامی در خاورمیانه روابط امریکا و ایران از دوستی به دشمنی تبدیل گردید. در سطح منطقه‌ای، بیداری اسلامی بیش از هر زمان دیگری موازنه‌ی قدرت در خاورمیانه را دستخوش تغییر و دگرگونی کرده است. در حالی که تضعیف ایران به عنوان اصلی‌ترین قدرت منطقه‌ای مورد توجه امریکا و متحدان منطق‌های آن بود، بیداری اسلامی بسیاری از کشورهای محور سازش را با چالش‌های جدید داخلی مواجه نموده و از توان آن‌ها برای افزایش فشار بر محور مقاومت کاسته است، هر چند این تحولات به صف‌بندی میان کشورهای منطقه دامن زده است. سیاست امریکا در این دوران افزایش فشارها بر جمهوری اسلامی و انزوای بیشتر این کشور در خاورمیانه و تضعیف متحدان آن بود؛ موضوعی که از راه‌های مختلفی همچون راه‌های اقتصادی و به بهانه‌های گوناگونی مثل برنامه‌ی هسته‌ای، حقوق بشر، حمایت از تروریسم و تهدید به حمله نظامی تعقیب می‌شد. نقش سایر قدرت‌های فرمانطقه‌ای، از جمله چین و روسیه، تا پیش از تحولات بیداری اسلامی را می‌توان نقشی حاشیه‌ای و حمایتی نیم بند از سیاست‌های کشورهای محور مقاومت دانست. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۱: ۱۳) در ادامه در چارچوب نظریه توازن وحشت یا تهدید استیفن والت به این مهم خواهیم پرداخت که ایران تهدیدی برای بقا و زیست امریکا نمی‌باشد بلکه امریکا، ایران را تهدیدی برای منافع خودش و متحدینش در خاورمیانه فرض می‌کند تا تهدیدی برای بقای خود لذا ضرورتی برای مبادرت به یک جنگ پر هزینه نمی‌بیند.

۱. چارچوب نظری:

نو واقع‌گرایی تدافعی یا نئورئالیسم تدافعی یک نظریه ساختاری است که از مکتب واقع‌گرایی نظریه روابط بین‌الملل الهام گرفته است. بنیان نو واقع‌گرایی تدافعی برگرفته از نظریه سیاست بین‌الملل کنت والتز است که ادعا دارد ساختار آشوب‌زده نظام بین‌الملل دولت‌ها را تشویق

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

می‌کند تا برای افزایش امنیت خود به اتخاذ سیاستی میان‌رو و مدارایی روی آورند. (Walt, ۱۹۷۹, ۸) در رئالیسم تدافعی دغدغه امنیت اساسی‌ترین مسئله است. به عبارت دیگر نگاه رئالیست‌های تدافعی نیز نگاهی کاملاً امنیتی است و در کنار رئالیسم تهاجمی، مطالعات روابط بین‌الملل را به سمت امنیتی شدن سوق داده و در واقع این دو رویکرد در صدد پاسخ به معمای امنیت در نظام آنارشیک بین‌المللی برآمدند. سوال اصلی برای این گروه از رئالیست‌ها این است که چه مقدار از قدرت برای دولت‌ها لازم و یا کافی است؟ و یا اصولاً دولت‌ها چه زمانی بایستی به بیشینه‌سازی قدرت روی آورند. پاسخ‌هایی که به این پرسش داده شده این دو نحله رئالیستی را متمایز ساخته است. رئالیست‌های تدافعی نیز به رابطه میان آنارشی و استلزامات نظام بین‌الملل از یک سو و رفتار دولت‌ها از سوی دیگر توجه دارند اما این رابطه را پیچیده‌تر می‌بینند. برخلاف واقع‌گرایی تهاجمی، فرض واقع‌گرایی تدافعی این است که آنارشی بین‌المللی معمولاً خوش‌خیم است؛ یعنی امنیت چندان نایاب نیست. در نتیجه دولت‌ها که این را درمی‌یابند رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آن‌ها وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش نیز اغلب در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است و تنها در شرایطی که معضل امنیت خیلی جدی شود واکنش‌های سخت‌تری به شکل بروز تعارضات رخ خواهد نمود. به عبارت دیگر دولت‌ها زمانی اقدام به گسترش نفوذ و افزایش قدرت خود می‌کنند که احساس ناامنی کنند. بر این اساس، حضور دولت در خارج از مرزهای ملی فقط در شرایط تصور ناامنی صورت می‌گیرد. بنابراین امنیت در نگاه تدافعی‌ها برابر است با برخورداری از قدرت کافی برای ایجاد موازنه. تا جایی که موازنه برقرار است امنیت نیز وجود دارد. اگر کشوری قصد برهم زدن امنیت و موازنه را داشته باشد کشورها بایستی جهت کسب امنیت، اقدام به افزایش قدرت و دستیابی به موازنه جدید نمایند. (Walt, ۲۰۰۹ : ۱۰۷)

به علاوه آن‌ها آنارشی بین‌المللی را هابزی و یا بدخیم نمی‌بینند، بلکه برآنند که نمی‌توان آن را به سهولت فهمید و این دولتمردان اند که باید در هر وضعیت خاصی به ارزیابی درجه تهدید و یا عدم آن بپردازند. به عبارت دیگر برداشت‌های دولت‌ها و ادراکات ذهنی آن‌ها نقش پررنگی در شکل‌دهی به رفتارهایشان ایفا می‌کند. تدافعی‌ها نیز همانند تهاجمی‌ها بر این باورند که مخاصمه در برخی شرایط اجتناب‌ناپذیر است. زیرا دولت‌های متجاوز و توسعه‌طلبی وجود دارند که نظم جهانی را به چالش می‌کشند و نیز برخی از کشورها تنها در راستای تعقیب منافع ملی

جنگ به ضرورت تهدید بقا و عدم حمله نظامی امریکا به ایران ۵

خود ممکن است درگیری با دیگر کشورها را اجتناب‌ناپذیر کنند. تاکید استفن والت بر اهمیت "موازنه تهدید" به جای موازنه قدرت است. تهدید در نگاه او عبارت است از ترکیبی از قدرت تهاجمی دولت، توانمندی‌های نظامی، نزدیکی جغرافیایی، و نیت تجاوزکارانه و تهاجمی احتمالی آن. پس صرف قدرت مهم نیست و سایر عوامل نیز مهم‌اند. به عبارت دیگر آنچه در روابط میان دولت‌ها حائز اهمیت است برداشت آن‌ها از یکدیگر به عنوان تهدید است و نه صرف میزان قدرت هر یک از آن‌ها. از سویی دیگر امنیت در شرایطی در نظام افزایش خواهد یافت که ایجاد موازنه به هنجار بدل شده باشد، و ایدئولوژی تأثیر زیادی نداشته باشد. دولت‌ها در برابر آن دسته از دولت‌هایی دست به موازنه می‌زنند که تهدید فوری نسبت به موجودیت یا منافع آن‌ها به حساب آیند. (۲۳ : ۲۰۰۵، Toft, Peter) در چهارچوب نظری استیفن والت آنچه توازن را ضروری می‌سازد صرف افزایش قدرت چالش‌گر نمی‌باشد، بلکه ماهیت قدرت در حال صعود کشور است. پس از نظر والت آنچه که مهم است نیاتی است که صاحبان قدرت به نمایش می‌گذارند. (دهشیار، ۱۳۹۰: ۲۶۷) به گفته والت تهدید از قدرت تهاجمی، مجاورت جغرافیایی، قدرت نظامی، و نیت تجاوزکارانه تشکیل می‌شود. قدرت کلی همان مجموع منابع کشور است؛ کشوری که منابع بیشتری داشته باشد می‌تواند تهدید جدی‌تری از کشوری که منابع کمتری دارد مطرح سازد. مجاورت جغرافیایی از این رو اهمیت دارد (در صورت برابر بودن سایر شرایط) کشورهای نزدیک اغلب تهدیدکننده‌تر از کشورهای دور هستند. قدرت آفندی، توانایی یک دولت برای تهدید کردن حاکمیت یا تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌ای قابل قبول است. سرانجام، کشورهایی که تجاوز پیشینه تصور شوند احتمال بیشتری دارد که موجب ایجاد توازن شوند تا دولت‌های دیگر. نیت تجاوزکارانه تمایل یک کشور خاص به واداشتن کشوری دیگر به واکنش را مشخص می‌سازد، وضعیتی که نمونه‌اش آلمان نازی بود. (۴۷: ۱۹۹۲، kaufman)

۲. جنگ به ضرورت تهدید بقا و عدم حمله نظامی امریکا به ایران

۲-۱- قدرت تهاجمی ایران و امریکا

براساس نظریه توازن تهدید والت میزان قدرت تهاجمی یا قدرت کلی یک کشور در ایجاد تهدید بیشتر موثر می‌باشد. تعاریف زیادی از قدرت ملی ارائه شده است. از نظر حافظ نیا قدرت ملی عبارت است از: "توانایی قابلیت و ظرفیت یک دولت و یک کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود با هدف اعمال اراده ملی و تحصیل اهداف و منافع ملی" (حافظ نیا، ۱۳۷۹:

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

ص ۲۴۵) افشردی و مدنی معتقدند که قدرت ملی براساس مولفه‌های ساختاری و ژئوپلیتیک تولید شده و در نهایت منزلت ژئوپلیتیک کشور را شکل می‌دهد، کالینز استراتژیست آمریکایی، قدرت ملی را مجموعه‌ای از توانایی‌های بالقوه و بالفعل یک کشور تعریف می‌کند که از توانایی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، تکنولوژیک و نظامی آن کشور ناشی می‌شود. (کالینزه ۱۳۷۰: ص ۲۴)

ذخایر شناخته شده کانی ایران عبارتند از: ۸۰۰ میلیون تن مس ۱ / ۱۲ درصد و بیش از ۵۰۰ میلیون تن مس با درجه پایین‌تر، ۷ میلیون تن سنک معدن کرومیت ۳۵ درصد تا ۵۰ درصد (بزرگترین ذخایر کرومیت دنیا)، بیش از ۲ / ۱ میلیارد تن سنگ آهن و ۱۰۶ میلیارد تن ذخایر زغال سنگ و ۵۰۰ میلیون تن فلز آلومینیوم فقط در ناحیه تاکستان قزوین است. همچنین معادن سرب، روی، نمک، سولفور، منگنز، نیکل، طلا، اورانیوم، منیزیم، باریم، قلع، سنگ آهک، کبالت، فلوریت، بوکسیت و غیره نیز دارد. (مظفری و رئیس السادات، ۱۳۸۸، ص ۱۸۱)

کشور ایران پتانسیل خوبی نیز از نظر ذخایر طلا دارد. از مهمترین منابع امید بخش طلا در ایران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: منطقه متالوژنی آذربایجان، منطقه متالوژنی همدان - اراک، منطقه متالوژنی اصفهان، یزد و کرمان، منطقه متالوژنی سمنان - تهران، منطقه متالوژنی خراسان - سیستان و بلوچستان، میزان ذخایر ایران در سال ۱۳۸۰، ۸۸۱۳۷۳۹۸ هزار تن سنگ طلا برآورده شده است. موقعیت تکتونو ماگمایی ایران آن را در قلمرو مناطق پتانسیل‌دار برای کانی‌سازی طلای هیدروترمال قرار می‌دهد. فعالیت‌های ماگمایی قوسی و پشت قوسی که در اغلب نقاط دنیا به عنوان پتانسیل‌های مهم طلا معرفی شده‌اند، در ایران نیز گسترش زیادی داشته‌اند. (<http://www.ngdir.com>)

مطالعات و محاسبات انجام شده در زمینه تخمین پتانسیل انرژی باد در ایران نشان داده‌اند که تنها در ۲۶ منطقه کشور میزان ظرفیت اسمی سایت‌ها با در نظر گرفتن یک راندمان کلی ۳۳/۰ در حدود ۶۵۰۰ مگاوات است و این در شرایطی است که ظرفیت اسمی کل نیروگاه‌های تولید برق کشور در حال حاضر ۳۴۰۰۰ مگاوات است. بهره برداری از انرژی بادی در ایران از سال ۱۳۷۳ در مناطق منجیل و رودبار عملاً آغاز شده است و تاکنون انرژی باد در این منطقه به حدود ۳۴ مگاوات رسیده است. (نشریه سازمان انرژی‌های نو ایران، ۱۳۸۶، صص ۷-۵)

با توجه به کویری بودن برخی مناطق و کمبود امکانات در برخی روستاهای دور افتاده کشور، انرژی خورشیدی بهترین گزینه برای تامین برق این مناطق است. (نشریه سازمان

جنگ به ضرورت تهدید بقا و عدم حمله نظامی امریکا به ایران ۵

انرژی‌های نو ایران، ۱۳۸۷، ص ۳) ظرفیت پروژه‌های در حال بهره‌برداری و در حال اجرای مربوط به انرژی خورشیدی در مجموع ۴/۵۱۷۳ کیلو وات می‌باشد. در سال ۱۳۸۷ در مجمع ۷۵ هزار کیلو وات ساعت برق خورشیدی توسط پروژه ۳۰ کیلووات فتوولتائیک، نیروگاه دربید یزد و سر کویر سمنان تولید شده است (ترازنامه انرژی، ۱۳۸۹ ص ۲۳۹-۲۴۰).

ایران با دارا بودن ۱۳۷۱۶ میلیون بشکه نفت، دومین دارنده بزرگ نفت در جهان به شمار می‌رود و ۳/۱۰ درصد از کل ذخایر نفت جهان را در خود جای داده است. میزان ذخایر نفت ایران از ۹۲/۹ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۹ به ۱۳۷۱۶ میلیون بشکه در سال ۲۰۰۹ رسیده است. میزان ذخایر نفت ایران نزدیک دو برابر آمریکای شمالی (۷۳۰۳ میلیون بشکه)، نزدیک ۵ برابر کشور آمریکا (۲۸/۴ میلیون بشکه)، بیش از یک برابر ذخایر نفت اروپا و اوراسیا (۹/۱۳۶ میلیون بشکه)، بیش از یک برابر ذخایر نفت کل قاره آفریقا (۷/۱۲۷ میلیون بشکه) و نزدیک ۴ برابر ذخایر آسیا پاسیفیک (۴۲/۲ میلیون بشکه) می‌باشد. ایران همچنین با تولید ۲۰۲۰۴ میلیون تن (۵/۳ درصد کل تولید نفت جهان) بعد از عربستان، روسیه و آمریکا چهارمین تولید کننده بزرگ نفت جهان به حساب می‌آید. (BP Statistical Review of World, ۲۰۱۰: ۶-۹)

ایران از نظر ذخایر گاز بسیار غنی است و با دارا بودن ۶۱/۲۹ تریلیون متر مکعب ذخایر قابل استحصال گاز که معادل ۱۵/۸ درصد کل ذخایر اثبات شده گاز جهان می‌باشد، دومین دارنده بزرگ گاز جهان بعد از روسیه به شمار می‌رود. حجم ذخایر گاز ایران از ۱/۱۴ تریلیون متر مکعب در سال ۱۹۸۰ به ۲۹۰۶۱ تریلیون متر مکعب در سال ۲۰۰۹ رسیده است، یعنی میزان ذخایر گاز ایران طی این مدت بیش از دو برابر رشد داشته است. ایران بیش از دو برابر کل ذخایر گاز آفریقا (۱۴/۷۶ تریلیون متر مکعب)، نزدیک به دو برابر کل ذخایر آسیا پاسیفیک (۱۶/۲۴ تریلیون متر مکعب) و نزدیک به دو برابر کل ذخایر قاره آمریکا (۱۷/۲۲ تریلیون متر مکعب) ذخایر گاز دارد. حدود دو سوم از ذخایر گاز ایران در میداین گازی غیر همراه (مستقل) قرار دارند. مهمترین میداین گازی غیر همراه ایران عبارتند از: پارس جنوبی (۲/۱۴-۸ تریلیون متر مکعب)، پارس شمالی (۱/۴ تریلیون متر مکعب)، کنگان (۰/۸۲ تریلیون متر مکعب)، نار (۰/۳۷ تریلیون متر مکعب) و کنگیران با ۳۱۰ تریلیون متر مکعب ذخایر گاز از کل ذخایر گاز ایران ۲۴/۹ تریلیون. (قدیانی و کرباسی، ۱۳۸۸: ص ۳)

ثروت نسبی ایران در بین کشورهای حوزه ی خلیج فارس بر اساس برآورد بانک جهانی و

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

اوپک (۲۰۱۸)^۱

کشور	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	صادرات (میلیارد دلار)		تولید ناخالص داخلی سرانه (میلیارد دلار)	جمعیت (۱۰۰۰)
		جمع	نفی		
بحرین	۳۵,۳	۱۴,۳	۸,۶	۲۳,۶۵۵	۱, ۴۹۳
کویت	۱۲۰,۲	۵۵,۳	۵۰,۷	۲۹,۰۴۰	۴, ۱۳۷
عمان	۷۲,۶	۳۱,۹	۲۱,۲	۱۵,۶۶۸	۴, ۶۳۶
قطر	۱۶۷,۶	۸۴,۸	۳۵,۵	۶۳,۵۰۶	۲, ۶۳۹
عربستان سعودی	۶۸۳,۸	۲۳۱,۵	۱۵۹,۷	۲۰,۷۶۱	۳ ۲,۹۳۸
ایران	۴۳۹,۵	۱۱۰,۸	۵۲,۷	۵,۴۱۵	۸ ۱,۱۶۳
عراق	۱۹۷,۷	۶۳,۳	۵۹,۷	۵,۱۶۶	۳ ۸,۳۷۵
یمن	-	-	-	-	-

مقایسه بودجه و مخارج ایران و امریکا در سال ۲۰۱۷^۲

رتبه در جهان	کشور	درآمد	مخارج	کسری (منفی)
۱	امریکا	۶,۰۲۸,۰۰۱	۶,۸۰۷,۱۶۱	۸۸۷,۲۳۴
۴۰	ایران	۷۷,۲۲۰	۸۶,۲۶۰	۹,۰۲۰

با توجه به موارد بالا که بیان شد و مقایسه‌هایی که صورت گرفت ایران هر چند از لحاظ

۱. World Bank, <https://data.worldbank.org/indicator/>, accessed ۲۵,۷,۲۰۱۸; OPEC, Statistical Abstract ۲۰۱۸, pp. ۱۹-۲۰. CIA Factbook for some Bahrain and Oman export data.

۲. The World Factbook. "List of government budgets by country". Retrieved March ۱۵, ۲۰۱۷.

_____ جنگ به ضرورت تهدید بقا و عدم حمله نظامی امریکا به ایران ۵

توان ملی قوی برخوردار می‌باشد ولی این توان به دو علت خاصیت تهدیدآمیزی ندارد. اول اینکه این توان یک توان بالقوه هست و اگر ایران بخواهد آن را به توان بالفعل تبدیل کند و آن را در راستای قدرت نظامی و اقتصادی سوق بدهد نیاز به درآمد بیشتر و ارتقاء کیفیت استخراج و بهره برداری از منابع و ذخایر را دارد و همچنین به بازاری برای فروش و دوم اینکه توان ملی یا قدرت تهاجمی یک کشور زمانی ایجادکننده تهدید جدی است که فاصله توان ملی دو رقیب نزدیک شود و به عبارت دیگر تفاوت چشمگیری احساس نشود. ولی توان ملی ایران و امریکا از لحاظ کمی و کیفی با یکدیگر تفاوت چشمگیر دارد و تا زمانی که این تفاوت اندک نشود لذا ایران تهدیدی نمی‌تواند برای زیست امریکا فرض شود.

۳. مجاورت جغرافیایی ایران و امریکا

سرچشمه‌ها و پایه‌های قدرت از عوامل مختلفی تشکیل می‌شود. بخشی از عوامل و سرچشمه‌های قدرت در جغرافیای هر کشور قرار دارد و از همه مهمتر اینکه خصائص جغرافیایی غالباً نقش بنیادین را در شکل‌گیری سایر عناصر قدرت نظیر قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی بازی می‌کند. از این رو اهمیت خاصی در بررسی و تحلیل قدرت ملی یک کشور برخوردارند. (حافظ نیا، ۱۳۸۶، ص ۸۴) تمام صاحب‌نظرانی که به بررسی سرچشمه‌های قدرت ملی پرداخته‌اند از جغرافیا به عنوان یکی از بسترهای اصلی قدرت ملی یاد کرده‌اند. حتی برخی جغرافیا را اصلی‌ترین عامل قدرت ملی تلقی کرده‌اند. گلدستین در بین سرچشمه‌ها و منابع قدرت بر جغرافیا و موقعیت ژئوپلیتیکی کشور فوق‌العاده تأکید می‌کند و می‌گوید که مهمترین ملاحظات سه‌گانه منزلت واقعی یک کشور عبارتند از: موقعیت، موقعیت و موقعیت. (Goldstein, ۵۹ ۱۹۹۹) برخی موقعیت جغرافیایی یک کشور را مهمترین رکن قدرت ملی آن کشور به شمار آورده‌اند. برخی از این هم فراتر رفته و گفته‌اند که سیاست هر کشور را جغرافیای آن کشور تعیین می‌کند. (روشندل، ۱۳۷۴: ص ۷۱) کوهن معتقد است که به وسیله جغرافیاست که ما می‌توانیم واقعیت‌های سیاسی را به درستی ارزیابی کنیم. این سیمای جغرافیایی است که اساس درک نقشه سیاسی کنونی و پیش‌بینی تغییرات احتمالی آینده را برای ما فراهم می‌سازد. بنابراین نقشه سیاست جغرافیایی بیشتر از نقشه سیاسی با واقعیت هماهنگ است. (والترز، ۱۳۶۳: ص ۷۱) بطور کلی قدرت از عوامل سیاست جغرافیایی سرچشمه می‌گیرد. این موضوع در زمینه استراتژی کاملاً آشکار است و در مورد اقتصاد و سیاست بین‌الملل نیز تا اندازه‌ای چنین است. بنابراین

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —
برای درک نقش قدرت در جهان ابتدا باید با عوامل سیاست جغرافیایی آشنا شد. (والترز، ۱۳۶۳،
ص ۱۹ و حافظ نیا، ۱۳۸۶، ص ۸۵)

ایران، در میانه منطقه خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز قرار دارد که اهمیت این منطقه در تأمین انرژی جهان، مبادلات اقتصادی، تجاری و نقش راهبردی آن در معادلات امنیتی و دفاعی کشورهای قدرتمند و رقیب، همچنین موقعیت خاص آن در تعاملات کشورهای منطقه، ایران را یک کشور بین‌المللی کرده است (حیدری، ۱۳۸۴: ۲۷۳). برقراری ارتباط با ایران و عبور از فضای آن از دیرباز تاکنون به طور عمده با دو هدف اصلی انجام شده است: نخست، هدف اقتصادی - اجتماعی که برای تأمین آن کالا، مواد، افکار، اندیشه‌ها، انسان‌ها و وسایل حمل و نقل از مسیر ایران عبور کرده و مبادی و مقاصد را به هم پیوند داده است و از آن به عنوان «نقش ارتباطی ایران» یاد شده است. دوم، عملیات نظامی که با هدف تصرف ایران و نیز تصرف سرزمین‌های ماورای ایران انجام گرفته است؛ زیرا پهنه‌های آبی اقیانوس هند و دریای عمان در جنوب و دریای مازندران در شمال، امکان اتصال قلمروها و مناطق جغرافیایی واقع در ماورای مرزهای شرقی و غربی را دشوار ساخته‌اند و همچون عامل بازدارنده و مانعی نفوذناپذیر بر سر راه مهاجمان قرار داشته‌اند. از این رو، به ناچار مسیر ایران را برای عبور انتخاب کرده‌اند (حافظ نیا، ۱۳۸۸: ۳۹).

ایران در دریای مازندران حدود ۶۵۷ کیلومتر، در دریای عمان حدود ۷۸۴ کیلومتر و در خلیج فارس حدود ۱۲۵۹ کیلومتر مرز دریایی دارد. بنابراین از مزایای اقتصادی و دفاعی آن بهره‌مند است. (ملکوتیان، ۱۳۸۳، ص ۲۰۷) دسترسی ایران به دو عرصه آبی مهم در شمال و جنوب کشور، هم به لحاظ حمل و نقل دریایی و هم به لحاظ شیلات و وجود ذخایر عظیم انرژی نفت و گاز به عنوان مبنای عمده قدرت ملی کشور شناخته می‌شوند (حافظ نیا، ۱۳۸۶ ص ۹۲).

بطور کلی کشور ایران با داشتن ۱۵ همسایه از طریق خشکی و دریا پس از روسیه دومین کشور جهان از نظر تعداد همسایگان است. (عباس شوازی، ۱۳۸۷: ص ۷۳) استفاده از استعداد بسیار بزرگ و در واقع بی‌نظیر ایران در گسترش روابط فضایی بین ناحیه‌ای با وجود حجم متوسط و تعداد همسایگان زیاد، در کانون توجه دولت‌ها قرار نداشته است. چنین موقعیتی، فضای سرزمینی ایران را در مرکز تلاقی دولت‌هایی قرار داده که بطور ماهوی نیازمند تعامل فضایی همه جانبه هستند. در واقع ایران با استفاده از موقعیت مرکزی و کانونی خود می‌توانسته کانون صلح و همبستگی بین منطقه‌ای باشد. (کریمی پور، ۱۳۷۹: صص ۲۴-۲۵)

جنگ به ضرورت تهدید بقا و عدم حمله نظامی آمریکا به ایران ۵

ایالات متحده آمریکا در نیمکره غربی زمین، و در شمال قاره آمریکا واقع است. این کشور از ۴۸ ایالت همجوار، و دو ایالت جدا از دیگران (شبه جزیره آلاسکا در شمال شرق قاره آمریکا و مجمع الجزایر هاوایی در اقیانوس آرام) تشکیل شده است. (Cavendish, ۲۰۰۷, ۶۷)

ایالات متحده آمریکا از شمال با کشور کانادا، و در جنوب با کشور مکزیک مرز خاکی دارد. این کشور در شمال غرب قاره آمریکا و سواحل آلاسکا نیز با روسیه مرزهای مشترک آبی دارد. ۴۸ ایالت به هم پیوسته که خاک اصلی آمریکا را تشکیل می‌دهند، از شرق و جنوب شرقی به اقیانوس اطلس و خلیج مکزیک، و از غرب به اقیانوس آرام منتهی می‌شوند. ایالت آلاسکا نیز از شمال به اقیانوس منجمد شمالی، از غرب به تنگه برینگ، و از جنوب غربی به اقیانوس آرام ختم می‌شود. مجمع‌الجزایر هاوایی هم در جنوب غرب خاک اصلی آمریکا و در اقیانوس آرام واقع شده‌اند. آمریکا در مجموع ۹'۸۲۶'۶۳۰ کیلومتر مربع وسعت دارد که البته ۴۷۰ هزار کیلومتر آن را جزایر پراکنده و تحت قلمرو آمریکا در اقیانوس آرام و دریای کارائیب تشکیل می‌دهند. (Press, ۲۰۰۷, ۴)

حوادث ۱۱ سپتامبر فرصت مناسبی را برای ایالات متحده فراهم کرد تا به بهانه مبارزه با تروریسم به حضور سیاسی، اقتصادی و نظامی خود در این منطقه گسترش دهد. از این رو، منافع آمریکا در خاورمیانه از سه جنبه اقتصادی، سیاسی و نظامی قابل بررسی است. بیش از هر مسئله‌ای منافع اقتصادی آمریکا در خاورمیانه با بحث انرژی و تامین امنیت عرضه آن به بازارهای جهانی گره خورده است. آمریکا به عنوان بزرگترین اقتصاد جهان و به رغم برخورداری از مقادیر قابل توجهی منابع نفتی داخلی، کماکان نیازمند نفت این منطقه است. از همین رو، این کشور حفظ شرایط ایمنی دستیابی به نفت منطقه خاورمیانه و خلیج فارس را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است. نفت خلیج فارس ارتباط مستقیمی با هژمونی آمریکا دارد. (سیف زاده و روشندل، ۱۳۸۲: ۱۷۲-۱۷۳)

در واقع، به سختی بتوان سیاست خارجی آمریکا را در منطقه خاورمیانه بدون در نظر گرفتن عامل نفت تبیین کرد. نفت راهنمای سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه برای نزدیک به نیم قرن گذشته بوده است. بحران انرژی دهه ۱۹۷۰ که طی آن اعراب اقدام به تحریم کشورهای حامی اسرائیل کردند، اهمیت خاورمیانه را بیش از پیش برای آمریکا نمایان ساخت. این بحران نشان داد که در خاورمیانه، ترکیب نفت و سیاست می‌تواند بسیاری از معادلات را رقم زده و در واقع نفت عامل تعیین‌کننده مهمی برای حیات سیاسی در خاورمیانه به شمار می‌رود. از جنبه

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

سیاسی، موجودیت اسرائیل، بقاء و حفظ امنیت آن در خاورمیانه برای آمریکا بسیار مهم می‌باشد. با توجه به روابط خصمانه‌ای که از زمان تاسیس رژیم صهیونیستی میان اعراب و اسرائیل وجود داشته، تامین امنیت این رژیم به عنوان مهمترین متحد آمریکا در منطقه خاورمیانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. یکی دیگر از منافع سیاسی آمریکا در منطقه خاورمیانه جلوگیری از قدرت‌یابی گروه‌های رادیکال اسلامی و حمایت از متحد استراتژیک خود عربستان می‌باشد. (همان).

در واقع با توجه به مطالب بیان شده و در چارچوب نظریه استیفن والت یک کشور زمانی تهدید است که در مجاورت جغرافیایی یعنی در همسایگی باشد و البته سایر متغیرها یعنی قدرت تهاجمی و توانمندی و نیات خصمانه را دارا باشد. لذا ایران و آمریکا فرسنگ‌ها با یکدیگر فاصله دارند در واقع ایران در مجاورت جغرافیایی آمریکا نمی‌باشد بلکه در مجاورت حیات خلوت آمریکا، و منافع منطقه‌ای آن می‌باشد و بیش از اینکه تهدیدی برای بقای آمریکا باشد تهدیدی برای موارد اذعان شده می‌باشد و لذا آمریکا نیازی به مبادرت برای جنگ نمی‌بیند و ترجیح می‌دهد با استفاده از سایر سیاست‌ها همچون تحریم، موازنه سازی، حمایت متحدین و رقیب‌های ایران دغدغه‌های خود را مرتفع سازد.

۴. توانمندی نظامی ایران و آمریکا

همواره در طول تاریخ قدرت نظامی با به عبارتی توانمندی نظامی مهمترین متغیر برای شروع یک جنگ بوده است. براساس نظریه والت که در بخش نظری بیان شد، چنانچه یک کشور از توانمندی نظامی بالایی برخوردار باشد و فاصله توان نظامی دو رقیب به یک دیگر نزدیک باشد باعث بروز جنگ خواهد شد. در این قسمت به مقایسه توان نظامی آمریکا و ایران می‌پردازیم تا به این مهم پی ببریم که آیا توان نظامی ایران تهدیدی برای بقای آمریکا می‌باشد یا نه؟ برای پاسخ به این سوال توان این دو کشور به مقایسه آمار و ارقام نظامی این دو کشور خواهیم پرداخت. البته این مقایسه در مقیاس کوچک می‌باشد چرا که سلاح‌های نظامی و ادوات نظامی و پرسنل نظامی از تنوع بالایی برخوردار می‌باشد و اشاره به تمامی جزئیات مقدور نمی‌باشد.

جنگ به ضرورت تهدید بقا و عدم حمله نظامی امریکا به ایران ۵

مقایسه توان نظامی ایران در بین کشورهای حوزه خلیج فارس در سال ۲۰۱۸^۱

	عراق	ایران	شورای همکاری خلیج فارس	عربستان	امارات	بحرین	کویت	عمان	قطر
پرسنل فعال	۶ ۴,۰۰۰	۵۲ ۳,۰۰۰	۳۶ ۸,۱۰۰	۲۲ ۷,۰۰۰	۶ ۳,۰۰۰	۸ ۲,۰۰۰	۱ ۵,۵۰۰	۴ ۲,۶۰۰	۱۱, ۸۰۰
کارکنان رزرو	-	۲۵ ۰,۰۰۰	-	-	-	-	-	-	-
تانک جنگی	۳ ۱۸	۱,۵ ۱۳	۳,۰ ۱۰	۱,۹ ۲۶	۴ ۲۱	۱ ۸۰	۲ ۹۳	۱ ۱۷	۷۳
پدافند	۶ ۷۵	۷۲ ۵	۲,۵ ۰۲	۱,۰ ۶۵	۵ ۵۴	۸ ۹	۴ ۶۵	۱ ۹۷	۱۳ ۲
خودرو زرهی	۹ ۱۰	۶۴ ۰	۴,۵ ۲۹	۲,۳ ۸۱	۱, ۲۴۵	۲ ۰۳	۲ ۶۰	۲ ۵۰	۱۹ ۰
مسلسل	۶ ۰	۲,۰ ۳۰	۴۶ ۷	۲۱ ۸	۹ ۳	۳ ۶	-	۱ ۰۸	۱۲
توپخانه	۷ ۲	۲۹ ۲	۸۰ ۱	۳۵ ۶	۱ ۸۱	۸ ۲	۱ ۰۶	۲ ۴	۵۲
پدافند موشکی	۳	۱,۴ ۷۶	۱۹ ۲	۶۰	۷ ۵	۱ ۸	۲ ۷	۶	۶
هواپیما جنگی	۶ ۰	۳۳ ۴	۷۰ ۱	۳۶ ۵	۱ ۵۶	۳ ۸	۶ ۶	۵ ۸	۱۸
هلیکوپتر جنگی	۲ ۸	۵۰	۱۰ ۲	۴۷	-	۲ ۸	۱ ۶	-	۱۱
لانیچر	۰	۲۳ ۷	۲۸ ۲	۲۳ ۶	-	۶	۴ ۰	-	-
نابودگر	-	-	۳	۲	-	-	-	-	-
رزم ناو	-	۷	۱۶	۴	۱ ۰	-	-	۲	-

۱. Catherine A. Theohary, Conventional Arms Transfers to Developing Nations, ۲۰۰۸-۲۰۱۵, Congressional Research Service, December ۱۹, ۲۰۱۶, pp. ۳۶. All data are rounded to the nearest \$۱۰۰ million

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

قایق گشتی	۳	۱۳	۱۵	۲۶	۳	۵	۲	۱	۱۵
	۲	۲	۵		۲	۲	۰	۰	
زیردریایی	-	۳	-	-	-	-	-	-	-
سیلو	-	۱۸	-	-	-	-	-	-	-

توانمندی نظامی امریکا ۲۰۱۸^۲

قدرت هوایی					
شمار کل پرنده ها	هواگرد های ثابت بال	هواپیما های حمل و نقل	هواپیمای آموزشی	بالگردها	بالگردهای جنگنده
۱	۲	۵	۲,۷۷	۶,	۹۵۷
۳,۴۴۴	۷۸۵	۷۳۹	۱	۰۸۴	۳۰۸
قدرت دریایی					
کل توان نیروی دریایی	ناوهای هواپیما بر	ناوهای محافظ	ناوشکن ها	زیردریایی ها	کشتی گارد ساحلی
۴	۱۹	۶	۶۲	۷۵	۱۳
۱۵					
قدرت زمینی					
شمار تانک ها	خودرو های زره پوش جنگی	توپ های خود کششی	توپخانه متحرک	سیستم های پرتاب موشک	
۸,۸۴۸	۴۱	۱,۹۳	۱,۲۹۹	۱,۳۳۱	
	۰,۰۶۲	۴			
نیروی نظامی فعال			بودجه نظامی به میلیارد دلار		
۱,۴۰۰,۰۰۰			۷۰۰		

۲. "Number of Military and DoD Appropriated Fund (APF) Civilian Personnel Permanently Assigned". U.S.

جنگ به ضرورت تهدید بقا و عدم حمله نظامی امریکا به ایران ۵

ایالات متحده اعلام کرده است که اقدامات نظامی علیه ایران در زمانی صورت گرفته می‌شود، که نشانه‌ای روشن وجود داشته باشد که ایران تصمیم به ساخت سلاح هسته‌ای دارد. دولت اسرائیل به رهبری نخست وزیر نتانیاهو، ایران را به عنوان "تهدید موجود" توصیف می‌کند و تهدید به استفاده از نیروی نظامی برای جلوگیری از توانایی ایران در تولید سلاح هسته‌ای کرده است. اظهارات سیاست ایالات متحده نشان می‌دهد که هدف از اقدام نظامی علیه ایران، جلوگیری از توسعه سلاح هسته‌ای ایران است. یک اقدام نظامی شامل حمله هوایی، حملات سایبری، عملیات مخفی و نیروهای ویژه، بسیاری از امکانات و ذخایر فیزیکی ایران را از بین می‌برد یا شدیداً آسیب می‌رساند. اما با این حمله، نابودی کامل برنامه هسته‌ای ایران بعید است؛ و ایران همچنان ظرفیت علمی و تجربه را برای شروع برنامه هسته‌ای خود را دوباره حفظ خواهد کرد. (H.RES.۵۶۸)

بدیهی است، هرگونه تعهد ایالات متحده به اقدام نظامی علیه ایران یک رابطه بسیار ناپایدار و قابل اشتعال با یکی از بزرگترین و قدرتمندترین کشورهای منطقه ایجاد خواهد کرد. همچنین پیامدهای مهم و بلند مدت منطقه‌ای و جهانی برای ایالات متحده خواهد داشت. هزینه‌های درازمدت و حتی فرسایشی شدن عملیات نظامی به دلیل عدم اطمینان در مورد واکنش‌های ایران و واکنش کشورهای دیگر و همچنین احتمال افزایش پیامدهای غیرمنتظره و غیرقابل پیش‌بینی دشوار است. (Strategic Comments, July ۲۰۱۲)

ترامپ در ۱۸ اردیبهشت یعنی یک روز پس از خارج کردن آمریکا از برجام، ایران را تهدید کرد و گفت که «ایران یا باید مذاکره کند یا اتفاق دیگری خواهد افتاد.» وی اظهار داشت: «من به ایران توصیه می‌کنم برنامه هسته‌ایش را از سر نگیرد. من به آن‌ها قویاً توصیه می‌کنم. اگر دست به چنین کاری بزنند با عواقب جدی روبه‌رو می‌شوند» به رغم اینکه برخی تحلیلگران منظور ترامپ را از عواقب جدی، گزینه نظامی علیه ایران تعبیر کردند، اما موضع‌گیری اخیر مقامات ارشد نظامی آمریکا خلاف آن را نشان می‌دهد. (<http://parstoday.com>)

در چارچوب نظریه والت توانمندی نظامی بالا می‌تواند تهدیدی باشد البته اگر با نیت خصمانه، مجاورت جغرافیایی و توانمندی تهاجمی همراه باشد. ولی با توجه به مقایسه‌ای صورت گرفت، توانایی فاحشی بین قدرت نظامی ایران و آمریکا در کم و کیف وجود دارد. و تهدیدات نظامی که از سوی آمریکا صورت گرفته است بیشتر بخاطر برنامه هسته‌ای ایران و رفتارهای منطقه‌ای آن می‌باشد تا تهدید به ضرورت بقا. و لذا آمریکا ضرورتی برای مبادرت به

❖ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

جنگ نمی‌بیند و سعی می‌کند با سایر سیاست‌ها رفتار ایران را تغییر داده و برنامه هسته‌ای آن را متوقف کند. البته آنچه تهدید را جدی می‌کند و به عبارتی مهمترین متغیر می‌باشد در کنار سه متغیر قبلی (توانمندی تهاجمی، مجاورت جغرافیایی و توانمندی نظامی) نیت خصمانه می‌باشد.

۵. نیت خصمانه ایران و امریکا

ایران همواره خود را مدافع صلح نشان داده است و بارها اعلام کرده است که توان نظامی‌اش توان دفاعی و بازدارندگی می‌باشد تا تهاجمی. مقام معظم رهبری در دیدار با کارکنان و جمعی از فرماندهان ناجا اذعان کردند که پیشرفت‌های امروز نیروهای نظامی در بخش‌های مختلف بسیار ارزشمند است، اما با توجه به عقب ماندگی‌ها باید شتاب حرکت را افزایش داد و چنان اقتداری ایجاد کرد که دشمنان حتی جرات نکنند خیال تعرض به مرزهای این کشور را به ذهن خود راه دهند. (وبگاه مقام معظم رهبری: ۱۳۹۴)

کارکردهای دکتربین نظامی - دفاعی نیروهای مسلح در جوامع مختلف، در طول تاریخ برای دفاع از قدرت‌ها و در برخی موارد برای توسعه طلبی، تهدید و تجاوز شکل گرفته و غالباً کارکرد آن‌ها جنبه غیر ارزشی داشته است؛ ولی در نظام اسلامی، نیروهای مسلح در خدمت مردم و پاسدار امنیت و آرامش جامعه و ارزش‌های دینی و اخلاقی و مورد احترام و باور مردم است. در همه کشورها، نیروهای مسلح یکی از ارکان اساسی اقتدار ملی به حساب می‌آید؛ ولی در نظام اسلامی به دلیل این که محور همه ارزش‌گذاری‌ها دین و ارزش‌های الهی است، صرف قدرت مادی و ظاهری - چه نظامی و - نشانه اقتدار و بالندگی نیست، بلکه قدرت‌های مادی و ظاهری اگر با نیروی معنوی و روحی - اخلاقی همراه و آمیخته شود، نشانه اقتدار و عظمت ملی و اسلامی خواهد بود. در تفکر دینی - اسلامی، یک ملت با داشتن مردان و جوانان مسلح و سربازان شجاع و رشیدی که دل‌هایشان با نور ایمان و بصیرت و معرفت خدانشناسی روش باشد و اراده‌های آنها با قدرت و صلابت ایمان آمیخته شود، دارای اقتدار و قدرتی است که نظیر آن را در جهان نمی‌توان یافت و هیچ قدرت نظامی و سیاسی دنیا را یارای مقابله با آن و شکست دادن آن نیست. بر این اساس، در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح، اقتدار و عظمت خود را تنها در توان نظامی و سلاح بیشتر و بهتر نمی‌بینند، بلکه در توان نظامی آمیخته با معنویت، اخلاق و ایمان به همراه معرفت و بصیرت می‌دانند. برای خدا و گسترش فرهنگ توحیدی، برای انسانیت و اخلاق و دفاع از آرمان‌های ملی و اسلامی است که یک نظامی

_____ جنگ به ضرورت تهدید بقا و عدم حمله نظامی امریکا به ایران ۵

مسلمان لباس رزم بر تن می‌کند و مهیای جانبازی و فداکاری می‌شود. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی برای تثبیت فضایل انسانی و تحقق ارزش‌های الهی به تمرین نظامی و فراگیری فنون رزم می‌پردازند. انگیزه دفاع از آب و خاک و میهن عزیز خویش - ایران را با انگیزه والاتر دفاع از آرمان‌ها و ارزش‌های دینی و انقلابی آمیخته کرده و با انگیزه بیشتر به رسالت مقدس سربازی جامه عمل می‌پوشانند. همین انگیزه‌های مقدس و بالنده است که آن‌ها را در دفاع جنگ هشت ساله در برابر ارتش تا دندان مسلح حزب بعث عراق به رهبری صدام، به پیروزی رساند و اکنون استکبار جهانی آمریکا و هم پیمانانش را از رو در رویی با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، باز داشته است. (رستمی: ۱۳۹۳، ۲۱)

فلسفه‌ی وجود نیروهای مسلح، صرفاً جنگ با درگیری نیست. بسیاری از کشورهایی که سال‌های طولانی را بدون جنگ و درگیری سپری کرده‌اند، نیروهای نظامی خود را مهیا و آماده نگه می‌دارند. این آمادگی موجب می‌شود که دشمنان آشکار و پنهان آن‌ها، در محاسبات خود، دریابند که اشغال یا برخورد نظامی با چنین کشوری، برای آن‌ها، آسان و ارزان نخواهد بود. در نتیجه، از ایجاد تنش‌های نظامی با این کشورها می‌پرهیزند. در این صورت است که گفته می‌شود، آمادگی رزمی نیروهای مسلح، موجب بازدارندگی شده است.

در مجموع می‌توان گفت: بازدارندگی، مجموعه اقدام‌هایی است که یک دولت یا گروهی از دولت‌ها انجام می‌دهند تا تهدید بالقوه یا بالفعل آن‌ها، از انجام عملیات خصمانه علیه منافع ملی آنان یا متحدانشان و یا تشدید جنگ خودداری نماید. بازدارندگی و اقدام در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران درون‌زا بوده و بر مبنای ساخت داخلی کشور و بر مبنای ظرفیت‌های بومی شکل گرفته است. این موضوع از کلید واژه‌هایی است که در سال‌های اخیر بارها از سوی مقام معظم رهبری برای برون رفت از مشکلات و حضور قدرتمندانه در صحنه بین‌الملل مطرح شده است. (www.kayhannews.ir)

مقام معظم فرماندهی کل قوا در دیدار با زائران و مجاوران حرم رضوی در آغازین روز سال ۱۳۹۱ در بخشی از فرمایشات خود فرمودند: «ممکن است آمریکا خطرهایی برای کشورهای دیگر ایجاد کند؛ ممکن است دیوانگی کنند. البته من همین جا بگویم؛ ما سلاح اتمی نداریم، سلاح اتمی هم نخواهیم ساخت، اما در مقابل تهاجم دشمنان، چه آمریکا و چه رژیم صهیونیستی برای دفاع از خودمان، در همان سطحی که دشمن حمله کند، به آن‌ها حمله خواهیم کرد.» (همان)

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

آنچه مسلم است ایران بیش از اینکه نیات خصمانه علیه آمریکا داشته باشد در واقع به آن بدبین می‌باشد. مقام معظم رهبری، در بازدید روز چهارشنبه در دانشگاه فرهنگیان و سخنرانی در میان اساتید و دانشجویان این دانشگاه، بار دیگر بر این گزاره تأکید فرمودند و بیان داشتند «اما راجع به برجام؛ خب، بنده از روز اول بارها و بارها گفتم به آمریکا اعتماد نکنید! هم در جلسات خصوصی این را گفتم، هم در جلسات عمومی مردمی گفتم؛ در جلسات خصوصی بیشتر هم این را گفتم؛ گفتم به این‌ها اعتماد نکنید؛ اگر می‌خواهید قرارداد ببندید، تضمین‌های لازم را فراهم بکنید، بعد صحبت کنید، بعد قرارداد ببندید، بعد امضا کنید؛ به حرف این‌ها اعتماد نکنید».

(www.mehrnews.com)

در همان مقطع (۱۳ مهر ۹۲) مقام معظم رهبری طی بیاناتی در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران در دانشگاه شهید ستاری، ضمن حمایت از تحرک دیپلماسی دولت، گفتند: «ما به هیئت دیپلماسی ملت عزیزمان و دولت خدمتگزارمان خوشبین هستیم؛ البته به آمریکایی‌ها بدبینیم؛ به آن‌ها هیچ اعتمادی نداریم. ما دولت ایالات متحده‌ی آمریکا را دولتی غیرقابل اعتماد میدانیم؛ دولتی خودبترین، دولتی غیرمنطقی و عهدشکن، دولتی سخت در پنجه‌ی تصرف و اقتدار شبکه‌ی صهیونیسم بین‌المللی - که به خاطر رعایت خواسته‌ها و منافع نامشروع شبکه‌ی صهیونیستی بین‌المللی مجبورند با رژیم غاصب و جعلی اشغال‌کننده‌ی فلسطین مماشات کنند...»

در ۱۳ آبان سال ۹۵ درحالی‌که حدود ۱۰ ماه از اجرایی شدن برجام می‌گذشت، مقام معظم رهبری در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان، ضمن بیان تحلیلی دقیق از منطق و عقلانیت مستتر در استکبار ستیزی و آمریکا ستیزی ملت انقلابی ایران و تلاش دو گروه وابستگان و از نفس افتاده‌ها در داخل برای القای بی‌منطق بودن این مشی نظام، فرمودند: «فکر غلط و خطائی که این هم باز دارد به نحوی از سوی آمریکایی‌ها تزریق میشود و کسانی هم در داخل آن را ترویج می‌کنند و از اولی خطرناک‌تر است، این است که اگر ما با آمریکا سازش کنیم، مشکلات کشورمان حل خواهد شد. [این] از آن اشتباهات عجیب و غریب و بسیار خطرناک [است]. [می‌گویند] اگر ما با آمریکا سازش کردیم، مشکلات کشور حل می‌شود. خب، حالا ده تا دلیل می‌شود شمرد برای اینکه این حرف غلط است، این حرف دروغ است، این حرف فریب است. سازش با آمریکا مشکلات کشور را به هیچ‌وجه حل نمی‌کند؛ نه مشکلات اقتصادی راه، نه مشکلات سیاسی راه، نه مشکلات امنیتی راه، نه مشکلات اخلاقی راه، بلکه بدتر خواهد کرد. ده

جنگ به ضرورت تهدید بقا و عدم حمله نظامی امریکا به ایران ۵

پانزده دلیل وجود دارد و می‌شود شمرد و ردیف کرد برای این قضیه؛ آخری‌اش همین قضیه‌ی برجام است. من چقدر در طول مذاکرات گفتم که این‌ها بدعهدند، این‌ها دروغ‌گویند، این‌ها پای حرفشان نمی‌ایستند؛ حالا ملاحظه می‌کنید! امروز آن کسی که دارد می‌گوید آن‌ها بدعهدند دیگر من [فقط] نیستم؛ مسئولین محترم کشور، خود مذاکره‌کنندگان ما که این همه زحمت کشیدند، یک سال و خرده‌ای مذاکره کردند، رفتند، نشستند، برخاستند؛ ده روز، پانزده روز، بیست روز خارج از کشور، پشت میز مذاکره با آن همه زحمت، عرق ریختند، زحمت کشیدند، آن‌ها دارند می‌گویند». (همان)

با توجه به مطالب بیان شده ایران همواره مدعی صلح طلبی می‌باشد و در واقع توان نظامی خود را توان دفاعی می‌داند و هیچگاه هدف حمله به امریکا را ندارد. ایران نیات خصمانه نسبت به امریکا ندارد و همیشه مردم و سیاستمداران امریکا را از یکدیگر تمیز داده است و اذعان کرده است که ما با ملت امریکا مشکل نداریم و مشکل ما با سیاستمداران امریکا است و نوع بدبینی به سیاست‌های امریکا دارد تا نیات خصمانه. ایران دشمنی ذاتی با امریکا ندارد که بخواهد بقای آن را در خطر اندازد و این امر برخاسته از بدبینی است که نسبت به سیاست‌های امریکا دارد. هم امریکا و ایران به یکدیگر بدبین بوده‌اند و حاصل این بدبینی تنش و عدم رابطه‌ی سیاسی بوده است و روابط ایران و امریکا به تجارت محدود بسنده شده است. با وجود تمام بدبینی‌ها در برخی برهه‌های زمانی در خاورمیانه با یکدیگر همکاری‌های مخفیانه داشته‌اند مانند جنگ عراق و افغانستان. امریکا آگاهی دارد که که ایران هیچگاه نیت حمله به امریکا و اسرائیل را ندارد و بدبینی که بین این دو وجود دارد باعث شده است که تعارض منافع با یکدیگر پیدا کنند و سیاست‌های هر دو در عرض هم تعریف شده است تا طول هم، لذا امریکا با این آگاهی از نیت رهبران ایران هیچ نیازی به مبادرت جنگ نمی‌بیند و سعی می‌کند با فشارهای سیاسی و اقتصادی رفتار ایران را در جهت سیاست خارجی خود تغییر دهد. ما نباید فراموش کنیم که ایران با ثبات و قدرتمند در منطقه برای امریکا سود دارد و امریکا همواره سعی کرده است با فشارهایی که به ایران می‌آورد بتواند ایران را متحد استراتژیک خود در منطقه کند. برای این مهم نیاز است که نگرش‌های کلان سیاست خارجی دو کشور تغییر کرده و رفتارهای مثبت‌تر به نمایش گذارده شود تا این اتحاد شکل بگیرد. زمینه این اتحاد با توافق برجام می‌توانست شکل بگیرد ولی با خروج ترامپ از برجام بار دیگر بدبینی ایران به امریکا بیشتر شد و دوباره شکاف سیاسی فعال‌تر و جدی‌تر شد. ولی با تمام این مسائل ایران تهدیدی برای زیست امریکا نمی‌باشد و سیاست‌های

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —
ایران تهدیدی برای منافع امریکا و متحدینش در منطقه فرض می‌شود.

نتیجه‌گیری:

کشورها همیشه عقلانی فکر کرده و قبل از انجام هرکاری هزینه و فایده آن را سبک و سنگین می‌کنند. براساس نظریه موازنه قدرت والتز صرف افزایش قدرت این جواز را به هژمون یا رقیب می‌دهد که دست به موازنه علیه کشور جدید در حال صعود بزند و در حالت حاد مبادرت به جنگ کند. اما براساس نظریه موازنه تهدید والت صرف افزایش قدرت یک کشور دلیل کافی برای موازنه‌سازی و مبادرت به جنگ نمی‌باشد بلکه باید یک سری متغیرها را دارد باشد که بتوان قدرت در حال صعود را تهدید جدی فرض کرد. براساس نظریه والت اگر قدرت در حال صعود چهار متغیر اساسی یعنی توانمندی ملی یا تهاجمی، مجاورت جغرافیایی، توانمندی نظامی و نیات خصمانه را دارا باشد قدرت رقیب این جواز را دارد که دست به موازنه سازی بزند و در حالت حاد مبادرت به جنگ کند. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته توانمندی تهاجمی ایران بالقوه می‌باشد و نیاز به تکنولوژی و زمان وجود دارد تا این توان تبدیل به توان بالفعل شود و همچنین ایران در مجاورت جغرافیایی امریکا قرار ندارد بلکه ایران در مجاورت منافع خاورمیانه‌ای و متحدین امریکا قرار دارد. همچنین با مقایسه توان نظامی دو کشور ما شاهد این امر بودیم که تفاوت فاحشی بین قدرت نظامی دو کشور وجود دارد و ایران نیات خصمانه علیه امریکا ندارد. با بدبینی که ایران به امریکا دارد ما شاهد این هستیم که سیاست‌های منطقه‌ای ایران در جهت مخالف امریکا می‌باشد. موقعیت استراتژیک ایران باعث شده است که ایران تهدیدی برای منافع ملی امریکا در خاورمیانه فرض شود و چون ایران تهدیدی برای زیست آن نمی‌باشد لذا امریکا نیاز ضروری برای مبادرت به جنگ نمی‌بیند و سعی می‌کند از طریق فشارهای سیاسی و اقتصادی رفتار ایران را تغییر دهد. البته حمله نظامی امریکا به ایران منطقه را بی‌ثبات می‌کند و باعث وارد شدن شوک‌های انرژی شده و منافع متحدین امریکا را به خطر می‌اندازد و این امر می‌تواند به هژمونی و اقتصاد ایالات متحده ضربه وارد کند. امریکا بر این امر آگاه است که هرگونه حمله نظامی به ایران واکنش رقبا را در برخواهد داشت لذا سعی می‌کند که محتاط‌تر عمل کند و خود را درگیر جنگ فرسایشی و پر هزینه همچون باتلاق ویتنام نکند.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

منابع و مأخذ

فارسی

- اطاعت، جواد، ۱۳۹۱، سیاست خارجی و توسعه در ایران، انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- اعظمی، هادی، ۱۳۸۵: وزن ژئوپلیتیکی و نظام قدرت منطقه ای (بررسی موردی: جنوب غرب آسیا)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان.
- افتخاری، اصغر، ۱۳۸۴، سیر تحول مطالعات استراتژیک؛ روندهای جهانی و تجارب ایرانی، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات استراتژیک در جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبر (Khamenei . Ir)
- ترازنامه انرژی سال ۱۳۸۷: معاونت امور برق و انرژی، دفتر برنامه‌ریزی کلان برق و انرژی.
- حافظ نیا، محمدرضا احمدی پور، بدیعی (۱۳۸۳)، تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی ایران، سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا و احمدی پور، زهرا و بدیعی، مرجان، ۱۳۷۸: تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران (پروژه تحقیقی)، فصل اول، مبانی نظری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات آستان قدس رضوی.
- حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۶: قدرت و منافع ملی، تهران، نشر انتخاب
- دهشیار، حسین، (۱۳۹۱). "خاورمیانه: خطر استراتژیک برای آمریکا"، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و مهدی فرازی، (۱۳۹۱). بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه ی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ی ۲۸
- رستمی، محمود (۱۳۷۸) فرهنگ واژه‌های نظامی تهران، انتشارات ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول بیانات رهبری.
- روشندل، جلیل، ۱۳۷۴: امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران، سمت.
- عباس شوازی، علی، ۱۳۸۷: رابطه جغرافیا و امنیت با تاکید بر نقش و کار ویژه نیروی

- _____ جنگ به ضرورت تهدید بقا و عدم حمله نظامی امریکا به ایران ۵
- انتظامی، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره چهارم.
- کالینز، جی. ام، ۱۳۷۰: استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)، ترجمه کورش بایندر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- کریمی پور، یدالله، ۱۳۷۹: مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، کرج، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد دانشگاه تربیت معلم تهران.
- گزارش سخنرانی علمی سیاست خارجی و توسعه در ایران، آدرس اینترنتی
[http://www.iag.ir/conferences /iag/old-lectures/424-2013-01-27-](http://www.iag.ir/conferences/iag/old-lectures/424-2013-01-27-)
 (۵۳-۱۴-۰۸)
- مظفری، هانیه و رئیس‌السادات، سید حمید رضا، ۱۳۸۸: تاثیر عوامل فیزیکی (باد و دما) بر ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره سوم.
- نشریه سازمان انرژی‌های نو ایران (سانا)، ۱۳۸۶، سال اول، شماره ۱، مرداد ۸۶.
- والترز، رابرت، ۱۳۶۳: دام سلاح هسته‌ای، ترجمه محمد رضا فتاحی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.

انگلیسی:

- BP Statistical Review of world Energy, ۲۰۱۰: BP, London
- Country Analysis Briefs, IRAN, ۲۰۱۰, www.eia.doe.gov
- Goldstein, Joshua S, ۱۹۹۹: International Relations. New York: Longman.
- H.RES.۵۶۸, “Expressing the Sense of the House of Representatives Regarding the Importance of Preventing the Government of Iran from Acquiring a Nuclear Weapons Capability” March ۲۰۱۲, <http://thomas.loc.gov/cgi-bin/bdquery/z?d112:h.res.568;> and S.RES.۳۸۰, <http://thomas.loc.gov/cgi-bin/bdquery/z?d112:s.res.380>
- <https://foreignpolicy.com/2009/05/12/imbalance-of-power/>
- Iran’s Ballistic Missile Capabilities: A Net Assessment,

— فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸

London: International Institute for Strategic Studies, ۲۰۱۰; and
“Iran Sanctions Halt Long-range Ballistic-missile
Development,” Strategic Comments, July ۲۰۱۲.
<http://parstoday.com/dari/news/uncategorised-i۱۰۰۳۷>.

<https://www.yjc.ir/fa/news/>

- Klein, Ted. Rhode Island. Marshall Cavendish, ۲۰۰۷. ۶۷.
ISBN ۰-۷۶۱۴-۲۵۶۰-۸.

- Mearsheimer, John J. (۲۰۰۱), The Tragedy of Great Power
Politics, First Edition, New York: W.W.Norton Company

- Ramazani, R.K. (۱۹۷۸). “Iran and the Arab-Israeli conflict”
in Middle East Journal, Vol. ۳۲, No. ۴, Autumn ۱۹۷۸.

- Shulski, Martha. Gerd Wendler. The Climate of Alaska.
University of Alaska Press, ۲۰۰۷. ۴. ISBN ۱-۶۰۲۲۳-۰۰۷-۲.

- Stephen Walt, "Imbalance of Power," Foreign Policy, ۱۹۳:
(۱۲ May ۲۰۱۲): p ۱,

- Taylor, Peter, ۱۹۹۳: Political Geography. England: Longman
Scientific & Technical. [http://newsblog. Ir/?](http://newsblog.Ir/?) = ۳۶۷۹
<http://www.iraneconomist>.

- Toft, Peter. "John J. Mearsheimer: an Offensive Realist
Between Geopolitics and Power." International Relations and
Development ۸ (۲۰۰۵): ۳۸۱-۴۰۸

- Waltz, Kenneth N. (۱۹۷۹), Theory of International Politics,
Reading, MA: Addison-Wesley, pp. ۱۱۸, ۱۲۱

- Wohlforth, Stuart J. Kaufman and Richard Little (eds) The
Balance of Power in World History, (New York: Palgrave
Macmillan, ۲۰۰۷).